

سخنرانی النور مارکس در نخستین روز جهانی کارگر

ترجمه از گروه ترجمه "میلیتانت"

هاید پارک لندن، چهارم مه ۱۸۹۰

ما نیامده ایم که برای احزاب سیاسی کاری یا فعالیتی انجام دهیم، بلکه ما به این جا آمده ایم برای دفاع طبقه ی کارگر از خودش، برای مطالبه ی حقوق خودش. می توانم به یاد آورم زمانی که ما بیش از ده دوازده نفر نبودیم و به هاید پارک برای مطالبه ی قانون هشت ساعت کار آمدیم، اما آن ده دوازده نفر به صدها نفر افزایش یافت و صدها نفر به هزاران نفر بدل گشتند، تا زمانی که امروز این تظاهرات با شکوه را، که سراسر پارک را در بر گرفته در مقابل داریم. ما رو در روی تجمع دیگری ایستاده ایم اما من خوشحالم که می بینم توده های عظیمی از مردم در طرف ما هستند. آن هایی که از میان ما، با نگرانی به اعتصاب کارگران بارانداز و به ویژه کارگران کارخانه ی گاز رفته اند، مردان، زنان و کودکانی را دیده اند که پیرامون ما را می گیرند، اعتصابات به میزان کافی تشدید شده و ما مصمم شده ایم که هشت ساعت کار در روز را از طریق به تصویب رساندن قانونی آن تضمین کنیم؛ اگر ما چنین عمل نکنیم، در اولین فرصت چنین دستاورد و امتیازی را از ما پس خواهند گرفت و آن گاه [اگر پیروز نشویم] ما باید تنها خود را مقصر بدانیم. در بعد از ظهر امروز، در این پارک، مردی است که آقای گلدستون او را یک بار به زندان انداخته – مایکل داویت؛ ولی آقای گلدستون امروز بهترین روابط را با او دارد. شما فکر می کنید که دلیل این تغییر چه بوده است؟ چرا حزب لیبرال بسیار ناگهانی به یک حکومت ملی تغییر یافته است؟ بسیار ساده به این دلیل که مردم ایرلند هشتاد عضو به مجلس عوام فرستاده است تا از محافظه کاران دفاع کنند؛ به همین طریق ما می بایست این لیبرال ها و رادیکال ها را اگر با برنامه ی ما مخالفت کردند، بیرون بیندازیم. امروز من نه تنها به عنوان یک فعال اتحادیه ی صنفی، بلکه به عنوان یک سوسیالیست صحبت می کنم. سوسیالیست ها معتقدند که اولین و مهم ترین قدمی که باید برداشته شود، مطالبه ی هشت ساعت کار در روز است، اما هدف و آرمان ما رسیدن به دورانی است که در آن طبقه ای برای تأیید و حمایت دو طبقه ی دیگر وجود نداشته باشد، آشکار است که بیکاری در آن دوران، بیکاری وجود نخواهد داشت. اما این پایان کار نیست بلکه آغاز مبارزه است؛ تنها این کافی نیست که برای خواستار شدن هشت ساعت کار در روز به این جا بیاییم و تظاهراتی برگزار کنیم. ما نباید به مانند مسیحیان شش روز هفته را به گناه کردن بپردازیم و در روز هفتم به کلیسا برویم، ما می بایست به طور روزمره و دائمی از هدف و آرمانمان صحبت کنیم، باید مردان و به ویژه زنانی را که می بینیم برای پیوستن به مبارزه ی مشترکمان آماده کنیم.

"برخیزید چونان شیری که از خواب نیم روز اش سر برمی گیرد

در شماری شکست ناپذیر

زنجیرهای تان را به مانند شبنم هایی بر زمین بریزید

چرا که در هنگامه ی خواب تان بر شما فرو ریخته اند - ما بیشمارانیم - آنان ناچیزان اند"

منبع: النور مارکس، جلد دوم، ایوان کاپ، پانتئون، ۱۹۷۶

برگرفته از: Marxist.com

ترجمه از گروه ترجمه "میلیتانت" - نهم اردیبهشت ۱۳۸۷